

عوامل محیطی تاثیر گذار در طراحی داخلی فضای کار اشتراکی بر پایه رشد تعاملات اجتماعی

کیمیا خواجهی نژاد^۱ و بهرنگ مرادی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۱/۱۵

چکیده

بیان مساله: امروزه در مکانهای اداری پیشرفته، اصل تمرکز بر بهره وری در رتبه دوم قرار می گیرد و شاخصه اصلی، تعاملات اجتماعی می باشد که به خودی خود سبب کشف بهترین استعدادها، افزایش عملکرد کارکنان و در نهایت یافتن بهترین راه حل ها برای انجام یک پروژه میگردد. محور اصلی کسب و کار فضاهای کار اشتراکی ایجاد یک جامعه همکار است و افراد اصلی حاضر در این مراکز، کارمزدی های حرفه ای، دورکارها و مؤسسين شرکت های کوچک و متوسط هستند که در جستجوی یک جامعه با روح همکاری و تعامل می باشند. در این فضاها از تعاملات اجتماعی برای تقویت سرعت یادگیری کارکنان و تحریک احساسات و علايق آنها استفاده شده و ارتقا عملکرد افراد و انجام واکنش سریع به اولویتهای جدید کسبوکار را به دنبال دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش: جدا از مسایل مربوط به جنبه های شخصیتی ویژه افراد که از جمله عوامل مهم کنترل کننده رفتار انسان هستند، محیط کالبدی فضاهای کار اشتراکی، می تواند تسهیلگر ایجاد تعامل بین افراد شود و توجه نکردن به این نیاز افراد و عدم قابلیت محیط در تامین آن، باعث میشود تا محیط کالبدی فضا های کاری به مجموعه ای از احجام و فضای خالی بین آنها تبدیل شود.

هدف اصلی تحقیق: یافتن عوامل تاثیر گذار در طراحی داخلی فضای کار اشتراکی بر پایه رشد تعاملات اجتماعی

روش تحقیق: روش تحقیق این پژوهش کیفی بوده و گردآوری اطلاعات از طریق انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از افراد حاضر در فضای کار اشتراکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات صورت گرفته است. تحلیل داده های کیفی حاصل از مصاحبه ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده و داده ها با بهره گیری از رویکرد کدگذاری استقرایی بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی مایرینگ مورد بررسی قرار گرفته اند.

مهم ترین یافته ها و نتیجه گیری تحقیق: تحلیل شش عامل محیطی استخراج شده از مصاحبه ها نشان می دهد که طراحی موفق فضای کار اشتراکی دانشگاهی مستلزم ایجاد تعادل میان فضاهای جمعی و خصوصی، تنوع فضایی، ارتباط مؤثر بین فضاها، رنگ، نور و ابعاد فضایی است. این عوامل در تعامل با یکدیگر، بستری را فراهم می کنند که کاربران بتوانند هم زمان از مزایای تعاملات اجتماعی، تمرکز فردی و آرامش محیطی بهره مند شوند. نتایج حاکی از آن است که هرگونه ضعف یا عدم تعادل در یکی از این عوامل می تواند کیفیت کلی فضای کار اشتراکی و میزان تعاملات اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد.

کلمات کلیدی: طراحی داخلی، فضای کار اشتراکی، عوامل محیطی، تعاملات اجتماعی

^۱ گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (behrang@iau.ac.ir)

^۲ گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

تحولات اساسی قرن بیست و یکم در حوزه فناوری، اینترنت و شیوه‌های نوین کسب و کار، منجر به تغییر ماهیت مشاغل و ظهور الگوهای جدیدی از فضاهای کاری شده است. در این میان، فضاهای کار اشتراکی به عنوان گونه‌ای نوین از محیط‌های کاری، با تأکید بر همکاری، انعطاف‌پذیری و تعاملات اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای بهره‌وری، خلاقیت و هم‌افزایی میان کاربران ایفا می‌کنند. فضای کار اشتراکی، شیوه تازه‌ای از فضاهای اشتغال است که در آن افراد، محیط کار را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند، درحالی که لزوماً مربوط به سازمانی مشترک نیستند. یک دفتر کاری مشترک توسط مالکی حقیقی یا حقوقی مدیریت شده و به متقاضیان آن اجازه داده می‌شود. جنبه‌های مثبت چنین فضاهای کاری تنها به محل کار خلاصه نمی‌شود و پیامد آن دستیابی به منافع و تجربیات حاصل از جامعه کاری اشتراکی است. در نتیجه این رخداد در عین حال رخدادی اجتماعی است که در آن افرادی که مستقل از هم به کسب و کارهای حرفه‌ای خود اشتغال دارند ارزش‌هایی را با هم به اشتراک می‌گذارند و با کار کردن در کنار هم در راه هم‌افزایی یکدیگر گام برمی‌دارند. به غیر از امکانات نرم افزاری و سخت افزاری که در یک فضای کار اشتراکی در اختیار ساکنان قرار می‌گیرد، ایجاد محیط کاری متناسب با ماهیت این شیوه فضای اشتغال، از مهم‌ترین نکات در طراحی این دفاتر است. فضای کاری باید انعطاف لازم جهت فعالیت‌های مختلف دفتری، برگزاری جلسات، گفت‌وگوهای جمعی، استراحت و بسیاری جنبه‌های دیگر را دارا بوده و محیطی مثبت در جهت ارتقا سطح خلاقیت و همچنین مناسب جهت افزایش تعامل و ارتباط افراد و گروه‌ها و همکاری‌های سازنده میان آنها باشد. البته باید توجه داشت که فضای کار اشتراکی را با توجه به شیوه همکاری میان صاحبان کسب و کار و مالکان فضا می‌توان در دسته‌های دیگری همچون مراکز رشد، شتاب‌دهنده‌ها و نمونه‌های دیگر هم‌گنجانید. برای مثال در مراکز رشد دانشگاه‌ها، مرکز به عنوان مربی و پرورش‌دهنده با صاحبان کسب و کار همکاری می‌کند و یا در شتاب‌دهنده‌ها، مالکان به عنوان مربی و همین‌طور سرمایه‌گذاران ذی‌نفع با صاحبان کسب و کار وارد همکاری می‌شوند و نمونه‌های دیگر که در حقیقت در همه این حالات فضای فیزیکی موجود را می‌توان فضای کار اشتراکی نام نهاد.

امروزه در مکان‌های اداری پیشرفته، اصل تمرکز بر بهره‌وری در رتبه دوم قرار می‌گیرد و شاخصه اصلی، "تعاملات اجتماعی" می‌باشد که این مهم به خودی خود سبب کشف بهترین استعدادها، افزایش عملکرد کارکنان و در نهایت بهترین راه حل‌ها برای به انجام رسیدن یک پروژه، می‌گردد (سرداری، ۱۳۹۸). تعاملات اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی متقابل میان آنها شود و این واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. محور اصلی کسب و کار فضا‌های کار اشتراکی نیز ایجاد یک جامعه همکار است. افراد اصلی برای حضور در این مراکز، کارمزدی‌های حرفه‌ای، دورکارها و مؤسسين شرکت‌های کوچک و متوسط هستند که در جستجوی یک جامعه‌ای با روح "همکاری و تعامل" می‌باشند. به این ترتیب که در این فضا از تعاملات اجتماعی برای تقویت سرعت یادگیری کارکنان و تحریک احساسات و علائق آنها استفاده می‌شود و عملکرد افراد را ارتقا می‌دهد و هم‌چنین به اولویت‌های جدید کسب و کار، واکنش سریع نشان می‌دهد. در حال حاضر در زمینه تعاملات اجتماعی در فضای کار اشتراکی در ایران مطالعات کمی صورت گرفته است و طراحی بسیاری از فضاهای

کاری معاصر همچنان مبتنی بر الگوهای سنتی و غیرمنعطف بوده و کمتر به نیازهای اجتماعی کاربران توجه شده است. براساس مدل هایی که برای تعریف نیازهای انسانی بیان شده است، تعاملات اجتماعی، یکی از موارد ضروری است. جدا از مسایل مربوط به باورها، نگرشها، ترجیحات و دیگر جنبه های شخصیتی ویژه افراد که در نظریه های مربوط به علوم رفتاری به عنوان مهمترین عوامل کنترل کننده رفتار انسان مطرح شده اند، محیط کالبدی هم در ارتباط با رفتارهای انسان امکانات بخصوصی دارد. در همین جهت، فضاهای کاری بعنوان محیطی که امکان حضور افراد در کنار یکدیگر را بوجود میآورد، میتواند زمینه ساز ایجاد تعامل بین آنها شود. توجه نکردن به این نیاز افراد و عدم قابلیت محیط در تامین آن، باعث میشود تا محیط کالبدی فضا های کاری به مجموعه ای از احجام و فضای خالی بین آنها تبدیل شود. این تحقیق به دنبال آن است تا از طریق یک ساختار نظام مند، عوامل تاثیر گذار در طراحی داخلی فضای کار اشتراکی بر پایه رشد تعاملات اجتماعی را بررسی و معرفی نماید.

پیشینه تحقیق

طراحی فضای کار اشتراکی کاربرمحور با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی و معماری پایدار، عنوان پژوهشی است که ممتاز آزاد (۱۴۰۳) به آن پرداخته است. در این تحقیق، فضاهای کار اشتراکی به عنوان محیطهایی نوآورانه و خلاق جهت همکاری و تعامل میان کاربران مورد بررسی قرار گرفته اند. این پژوهش با تأکید بر رویکرد کاربرمحور و توجه به اصول معماری پایدار، به تحلیل تأثیر طراحی فضا بر میزان تعاملات اجتماعی، بهره‌وری، خلاقیت و رضایت شغلی کاربران پرداخته و نشان می‌دهد عواملی نظیر سرزندگی محیطی، انعطاف‌پذیری چیدمان، جریان بصری مناسب، دید باز، دسترسی به نور طبیعی و پیش‌بینی فضاهای گردهمایی و تعامل، از مهم‌ترین مؤلفه‌های طراحی کاربرمحور و معماری پایدار در فضاهای کار اشتراکی محسوب می‌شوند.

سرداری (۱۳۹۸) در مطالعات خود به بیان ضرورت وجود نوآوری، کشف استعداد ها و تعاملات اجتماعی در محیط فضای کار اشتراکی میپردازد و بیان می نماید که فضای کار اشتراکی که توصیف کننده انجام فعالیت ها بصورت جمعی بجای فعالیت های انفرادی، در محیطی متنوع با ویژگی های منحصر به فرد که شاخصه اصلی آن تعاملات اجتماعی میباشد، به خودی خود سبب کشف بهترین استعدادهای، افزایش عملکرد کارکنان و در نهایت بهترین راه حل ها برای به انجام رساندن یک پروژه می گردد. در تحقیقی دیگر که با عنوان بررسی راهکارهای معمارانه جهت افزایش بهره‌وری فضاهای کار اشتراکی با بهره‌گیری از روش نحو فضا توسط ابادری (۱۴۰۳) انجام شده است، به بررسی تغییر ماهیت کسب و کارهای معاصر و تأثیر آن بر سازماندهی فضاهای کاری پرداخته است. در این پژوهش، با توجه به رشد مشاغل آزادکار، فعالیت‌های فریلنسری و کاهش وابستگی به ساختارهای اداری سنتی، فضای کار اشتراکی به عنوان پاسخی کالبدی به تحولات اجتماعی و اقتصادی معاصر معرفی شده است. پژوهش بر این نکته تأکید دارد که روابط اجتماعی و تعاملات شبکه‌ای، نقش مهمی در شکل‌گیری و کارآمدی فضاهای کار اشتراکی ایفا می‌کنند.

بررسی طراحی فضای معماری با محوریت تعاملات اجتماعی، عنوان پژوهشی است که افشار منش و طیبی (۱۳۹۵) به رشته تحریر در آورده اند. در این تحقیق با بهره گیری از روش مطالعات کتابخانه ای، مفهوم طراحی فضای معماری با رویکرد تعاملات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این مقاله، بیان اهمیت ارتباط صحیح میان طراحی فضا و فراهم نمودن بهترین شرایط جهت ارتباط و تعامل مناسب بین کاربران و در نتیجه اعمال آن در طراحی فضا ها می باشد.

در پژوهش دیگری به بررسی انواع فضاهای موجود و تعاملات اجتماعی کاربران در فضای کار اشتراکی در مالزی پرداخته شده است. این مطالعه با توجه به این که بیشتر پژوهش‌های منتشر شده در آسیا بر ارزش بازار و جنبه‌های اقتصادی فضاهای کار اشتراکی متمرکز بوده‌اند و موضوع تعامل اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته، به تحلیل مستقیم تعاملات در چنین فضایی پرداخته است. در این تحقیق، با استفاده از مشاهدات میدانی و تحلیل داده‌ها، فضاها

بر اساس کارکردشان در تعاملات رسمی و غیررسمی دسته‌بندی شده‌اند و نشان داده شده که فضاهای مشترک و انعطاف‌پذیر مانند کافه، لانژ، فضای بحث و گفتگو و رویدادها، بسترهای مناسبی برای تعاملات اجتماعی هستند، در حالی که فضاهای بسته و خصوصی مانند دفاتر خصوصی و اتاق‌های تماس تعاملات کمتری ایجاد می‌کنند. نتایج همچنین حاکی از آن است که ترکیب فضاهای باز و بسته به کاربران این امکان را می‌دهد که بسته به نوع فعالیت خود، فضایی را برای تعامل یا تمرکز انتخاب کنند و این رویکرد در طراحی می‌تواند به افزایش تعاملات میان کاربران کمک کند (Ying et al., ۲۰۲۰).

مبانی نظری

در نظریه‌های هنجاری طراحی محیط، اظهار نظرهای زیادی راجع به چگونگی تاثیر طراحی بر تعامل اجتماعی افراد شده است. موضوع به این دلیل مهم است که تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم با محیط‌های اجتماعی و ساخته شده رابطه ای تنگاتنگ دارند و با توجه به حضور عصر اطلاعات این اهمیت چند برابر شده است. جری فینرو سه دلیل را موجب تعامل اجتماعی در دفاتر اداری می‌داند: انجام وظایف و تبادل اطلاعات، برخورد‌های اتفاقی که به دلیل مجاورت دفاتر پیش می‌آید و ملاقات‌های نظری در راهروها. هیلبر و هانسن به بررسی رابطه‌ی میان فضای کالبدی و تعاملات جمعی پرداخته‌اند. بر طبق این مطالعه در محیط انسان ساخت، از یک طرف الگوهای جمعی در محیط، برخوردار از نظام‌های فضایی می‌باشد و از طرف دیگر محتوای فضایی محیط دارای الگوی جمعی است. این مطالعه مبتنی بر رویکرد چیدمان فضایی می‌باشد و نشان می‌دهد محیط انسان ساخت، بر اساس کیفیات فضایی اش نقشی مهم در شیوه زندگی کاربران ایفا می‌نماید. تحقیقات حوزه روان‌شناسی محیط نیز نشان می‌دهد که سازمان دهی مناسب می‌تواند بر ایجاد خلوت مطلوب نیز تاثیری مستقیم داشته باشد. در واقع می‌توان از طریق سازمان دهی مناسب فضاها و چیدمان به سطح مناسبی از ارتباطات جمعی و خلوت مطلوب متناسب با فعالیت‌های فضاهای مورد نظر دست یافت (Finrow, ۱۹۷۰).

در محیط ساخته شده و یا بطور خاص در معماری، سه سطح مختلف از قابلیت‌ها توسط ادراک کننده قابل تفکیک و تشخیص است که شامل (۱) قابلیت‌هایی که مردم نیاز دارند تا به گونه‌ای فیزیکی با محیط تعامل پیدا کنند. این تعامل فیزیکی مواردی همچون راه رفتن، خوردن و خوابیدن را تامین می‌نماید، (۲) قابلیت‌هایی که مردم جهت ارتباطات و تعاملات اجتماعی و ارتباط میان فردی به آن نیازمندند. در این سطح، قابلیت‌های فضاهای معماری واسطه‌ای برای رمزگذاری و رمزگشایی است و (۳) قابلیت‌هایی که مردم برای ارضاء خواهش‌ها و تعاملات نمادین و سمبولیک و رمزگونه به همراه ویژگی‌های فرهنگی و روحانی از محیط انتظار دارند. محیط کالبدی این معانی و قابلیت‌ها را در این سطح به سایر جانداران به جز انسان ارائه نمی‌نماید. تجربه و ادراک معانی و فرم‌های معماری در این سه سطح ارتباط کاملی با عملکرد فضاهای معماری و یا همان نیازهای انسانی دارد (خوشرو، ۱۳۹۵).

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش کیفی بوده و به دنبال کوششی سازمان مدار و ذهنی برای کشف معانی تجارب گذشته از طریق مصاحبه با افراد است. افراد حاضر در تمامی فضاهای کاری اشتراکی دانشگاهی در شهر تهران شامل دانشگاه‌های آزاد اسلامی، دولتی، غیر انتفاعی و پیام نور به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند. از آنجا که صفات افراد جامعه باید معرف جامعه باشد، و نیز این افراد در دسترس باشند، برای رسیدن به یک راهکار اولیه با صرفه اقتصادی، فضای کار اشتراکی پارادایس هاب واقع در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد و تعداد ۱۵ نفر از افراد شاغل در فضای کار اشتراکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به عنوان نمونه آماری جهت انجام گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انتخاب شدند. تحلیل داده‌های

کیفی حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. داده‌ها به صورت دستی و بدون استفاده از نرم‌افزار، با بهره‌گیری از رویکرد کدگذاری استقرایی بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی مایرینگ (Mayring, ۲۰۱۴) مورد بررسی قرار گرفتند.

بحث و یافته‌ها

مصاحبه شوندگان شامل ۱۵ نفر از کاربران فضای کار اشتراکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (پارادایس هاب) هستند که ۱۰ نفر از آنها خانم و ۵ نفر آقا، در رشته‌های تحصیلی پرستاری، مدیریت بازرگانی، مهندسی معماری، ژنتیک، فیزیک، مهندسی برق مخابرات، مهندسی مکانیک، مدیریت مالی، مهندسی صنایع، اقتصاد و مترجمی زبان انگلیسی فارغ التحصیل شده بودند. ۱۱ نفر دارای مدرک کارشناسی و ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند.

الف. فضای جمعی و خصوصی

نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که کاربران فضای کار اشتراکی دانشگاهی به طور هم‌زمان به فضاهای جمعی و خصوصی نیاز دارند. فضاهای جمعی بستر اصلی شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، ارتباطات کاری و تبادل تجربه میان کاربران هستند، در حالی که فضاهای خصوصی امکان تمرکز، آرامش و انجام فعالیت‌های فردی یا تیمی را فراهم می‌کنند. ترجیح کاربران به استفاده از هر یک از این فضاها، وابسته به نوع فعالیت، زمان استفاده و شرایط کاری آن‌هاست. این موضوع بیانگر ضرورت طراحی هم‌زمان و متعادل فضاهای جمعی و خصوصی با قابلیت انتخاب و انعطاف‌پذیری برای کاربران است.

ب. تنوع فضایی

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که تنوع فضایی از نظر محل قرارگیری فضاها، نوع مبلمان و ترکیب رنگی، نقش مهمی در افزایش رضایت کاربران و رشد تعاملات اجتماعی دارد. وجود فضاهایی با ویژگی‌های متفاوت، امکان انتخاب را برای کاربران فراهم کرده و از یکنواختی محیط می‌کاهد. این تنوع باعث می‌شود کاربران بتوانند متناسب با شرایط روحی و کاری خود، فضای مناسب را انتخاب کرده و در نتیجه حضور فعال‌تر و پویاتری در محیط داشته باشند.

ج. ارتباط مؤثر بین فضاها

یکی از عوامل کلیدی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، ارتباط فضایی مؤثر میان بخش‌های کاری و خدماتی است. دسترسی مناسب میان این فضاها، بدون ایجاد مزاحمت صوتی، موجب تسهیل تعاملات برنامه‌ریزی‌شده و غیربرنامه‌ریزی‌شده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که نزدیکی بیش‌ازحد یا فاصله نامناسب میان این فضاها می‌تواند کیفیت تعاملات یا تمرکز کاربران را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، سازمان‌دهی فضایی صحیح و کنترل آلودگی صوتی، از الزامات طراحی موفق فضای کار اشتراکی است.

د. رنگ

تحلیل اظهارات کاربران نشان می‌دهد که رنگ به عنوان یک عامل مؤثر محیطی، نقش مهمی در ایجاد حس نشاط، انرژی و آرامش دارد. کاربران تمایل دارند فضاهای جمعی با رنگ‌های شاد و محرک طراحی شوند تا انگیزه تعامل و پویایی افزایش یابد، در حالی که در فضاهای خصوصی استفاده از رنگ‌های خنثی، تمرکز و آرامش بیشتری ایجاد می‌کند. این تفاوت در ترجیحات رنگی، ضرورت تفکیک عملکردی فضاها از طریق رنگ را در طراحی فضای کار اشتراکی نشان می‌دهد. رنگ‌های سبز، زرد و طوسی می‌توانند ترکیبی از نشاط و انرژی و هم چنین آرامش داشته باشند.

ه. نور

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که نور، به‌ویژه نور طبیعی روز، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کارآمدی، رضایت و ماندگاری کاربران در فضا است. فضاهای دارای نور طبیعی و منظر مناسب، کاربران را به حضور طولانی‌تر و استفاده فعال‌تر از محیط ترغیب می‌کنند. در ساعات شب نیز وجود سیستم روشنایی مصنوعی مناسب برای حفظ کیفیت عملکرد و جلوگیری از خستگی ضروری است. بنابراین نورپردازی مناسب، نقش مستقیمی در ارتقای کیفیت فضای کار اشتراکی دارد.

و. ابعاد فضاها

بررسی نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که تناسب ابعاد فضاها با استانداردها و اصول ارگونومی محیط‌های کاری، تأثیر قابل توجهی بر راحتی کاربران و کیفیت فعالیت‌های کاری دارد. ابعاد مناسب فضا و مبلمان، علاوه بر افزایش رضایت کاربران، امکان شکل‌گیری تعاملات اجتماعی بدون ایجاد ازدحام یا محدودیت فضایی را فراهم می‌کند. در مقابل، کمبود فضا می‌تواند منجر به کاهش تمرکز و نارضایتی کاربران شود.

جمع‌بندی تحلیلی عوامل محیطی تأثیر گذار

در مجموع، تحلیل شش عامل محیطی استخراج شده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که طراحی موفق فضای کار اشتراکی دانشگاهی مستلزم ایجاد تعادل میان فضاهای جمعی و خصوصی، تنوع فضایی، ارتباط مؤثر بین فضاها، رنگ، نور و ابعاد فضایی است. این عوامل در تعامل با یکدیگر، بستری را فراهم می‌کنند که کاربران بتوانند هم‌زمان از مزایای تعاملات اجتماعی، تمرکز فردی و آرامش محیطی بهره‌مند شوند. نتایج حاکی از آن است که هرگونه ضعف یا عدم تعادل در یکی از این عوامل می‌تواند کیفیت کلی فضای کار اشتراکی و میزان تعاملات اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد.

مقایسه یافته‌های پژوهش با پیشینه تحقیق

بررسی نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که عوامل محیطی مؤثر بر طراحی فضای کار اشتراکی با رویکرد رشد تعاملات اجتماعی، در بخش قابل توجهی با یافته‌های پیشینه تحقیق هم‌خوانی دارد. تأکید بر وجود هم‌زمان فضاهای جمعی و خصوصی، تنوع فضایی، انعطاف‌پذیری در چیدمان، ارتباط فضایی مؤثر میان فضاهای کاری و خدماتی، دسترسی به نور طبیعی، استفاده هدفمند از رنگ و توجه به ابعاد و ارگونومی فضاها، از جمله مؤلفه‌هایی است که هم در نتایج این پژوهش و هم در مطالعات پیشین به‌عنوان عوامل کلیدی در ارتقای تعاملات اجتماعی و کیفیت فضای کار اشتراکی مطرح شده‌اند.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد که کاربران، ضمن تمایل به حضور در محیط‌های پویا و اجتماعی، نیازمند امکان انتخاب و کنترل میزان تعاملات خود هستند. این موضوع با رویکردهای کاربرمحور مطرح شده در پیشینه تحقیق هم‌راستا بوده و بر ضرورت طراحی فضاهایی با قابلیت پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع کاربران تأکید دارد. نقش فضاهای خدماتی و ارتباطی به‌عنوان بستر تعاملات غیررسمی، و فضاهای کاری جمعی به‌عنوان محل شکل‌گیری تعاملات کاری و برنامه‌ریزی شده نیز با نتایج پژوهش‌های پیشین مطابقت دارد.

در عین حال، نتایج این پژوهش برخی تفاوت‌ها و ملاحظات خاص را نسبت به پیشینه آشکار می‌سازد. برخلاف برخی مطالعات که بر برتری فضاهای کاملاً باز و جمعی تأکید دارند، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در عمل، کاربران نیاز بالایی به تفکیک فضایی، کاهش آلودگی صوتی و وجود فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی دارند و این فضاها نه تنها مانعی برای تعاملات اجتماعی نیستند، بلکه به‌عنوان مکمل فضاهای جمعی، رضایت و بهره‌وری کاربران را افزایش می‌دهند. همچنین مسائلی نظیر کنترل دسترسی، وجود گیت ورودی و تأثیر محدودیت‌های نهادی دانشگاهی بر نحوه ورود افراد و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، از جمله مواردی است که در پیشینه کمتر مورد توجه قرار گرفته اما در این پژوهش به‌عنوان عاملی مؤثر برجسته شده است.

به طور کلی، می توان گفت یافته های حاصل از تحلیل مصاحبه ها ضمن تأیید اصول کلی مطرح شده در پیشینه تحقیق، با تمرکز بر تجربه زیسته کاربران در فضای کار اشتراکی دانشگاهی، به تبیین دقیق تر نیازهای محیطی و بومی سازی این اصول در بستر دانشگاهی کمک کرده است.

ماخذ:

اباذری، ح (۱۴۰۳). بررسی راهکارهای معمارانه جهت افزایش بهره وری فضاهای کار اشتراکی با بهره گیری از روش نحو فضا، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری موسسه آموزش عالی خاوران دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی

افشارمنش، معصومه و طیاری، حسین، (۱۳۹۵). بررسی طراحی فضای معماری با محوریت تعاملات اجتماعی، دومین همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری، کرمان.

خوشرو، م، (۱۳۹۵). طراحی مجتمع مسکونی با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی ساکنان در محله اندیشه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته معماری. دانشکده هنر و معماری. دانشگاه علم و فرهنگ.

سرداری، م (۱۳۹۸). رویکردی تحلیلی به فضای کار اشتراکی و تعامل آن با اجتماع، اولین کنگره بین المللی معماری هدف، شیراز.

ممتاز آزاد، م (۱۴۰۳). طراحی فضای کار اشتراکی کاربر محور با رویکرد ارتقا تعاملات اجتماعی و معماری پایدار، دهمین کنگره سالانه بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری

Ying, C. K., Ibrahim, F. I., & Zubir, Z (۲۰۲۰). Analyzing Social Interaction in Coworking Space: Case study on Common Ground Damansara Heights.
Finrow, J. (۱۹۷۰). Urban human contact. Man-Environment Systems
Mayring, P., & Fenzl, T. (۲۰۱۴). Qualitative content analysis. In The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis

Effective environmental factors on the interior design of a coworking space based on improving social interactions

Kimia Khajavi Nejad, Behrang Moradi*

Extended Abstract

۱. Statement of the problem

In today's advanced office spaces, the principle of focusing on productivity is secondary, and the main characteristic is social interactions, which in themselves lead to discovering the best talents, increasing employee performance, and ultimately finding the best solutions for carrying out a project. The main axis of the coworking space business is to create a collaborative community, and the main people present in these centers are professional freelancers, remote workers, and founders of small and medium-sized companies who are looking for a community with a spirit of cooperation and interaction. In these spaces, social interactions are used to enhance the speed of employees' learning and stimulate their emotions and interests, which leads to the improvement of individual performance and rapid response to new business priorities.

۲. Importance and Necessity of Research

Apart from issues related to the specific personality aspects of individuals, which are among the important factors controlling human behavior, the physical environment of shared workspaces can facilitate interaction between individuals, and not paying attention to this need of individuals and the inability of the environment to provide it, causes the physical environment of workspaces to become a set of volumes and empty space between them.

۳. Main research objective

To find factors affecting the interior design of shared workspaces based on the improve of social interactions

۴. Research Method

The research method of this research is qualitative and information was collected through semi-structured interviews with ۱۵ people present in the shared workspace of the Islamic Azad University, Science and Research Branch. Qualitative data analysis from the interviews was conducted using the qualitative content analysis method, and the data were examined using the inductive coding approach based on the Meiring qualitative content analysis method.

۹. Key Findings and Conclusions

Analysis of six environmental factors extracted from the interviews shows that successful design of a university coworking space requires a balance between collective and private spaces, spatial diversity, effective communication between spaces, color, light, and spatial dimensions. These factors, when interacting with each other, provide a platform where users can simultaneously benefit from the benefits of social interactions, individual focus, and environmental tranquility. The results indicate that any weakness or imbalance in one of these factors can affect the overall quality of the coworking space and the amount of social interactions.

Keywords: Interior design, coworking space, environmental factors, social interactions

